



مدیریت سرمایه در گردش

استاد : سرکار خانم دکتر خسروی پور

ارائه دهندگان :

حسین عسگری - حمید اولادغفاری

پائیز ۱۳۹۳

رئوس مطالب مورد ارائه



- مقدمه
- تعریف مدیریت سرمایه در گردش
- تعریف سرمایه در گردش
- اهمیت مدیریت سرمایه در گردش
- مدیریت نقدینگی
- عوامل موثر بر نیاز سرمایه در گردش
- ماهیت سرمایه در گردش
- منابع و مصارف سرمایه در گردش
- مدیریت سرمایه در گردش در مرحله عمل
- مدیریت سرمایه در گردش و سودآوری
- فروش و سرمایه در گردش
- تجزیه و تحلیل نسبت های سرمایه در گردش
- اهداف سیاستهای سرمایه در گردش
- استراتژی های مدیریت سرمایه در گردش
- مدیریت سرمایه در گردش در شرکتهای ایرانی

مقدمه



* سرمایه در گردش از اقلام مهم دارائی های واحدها و بنگاههای اقتصادی تلقی می شود که در تصمیمات مالی نقش قابل توجهی دارد.

توسعه کمی و کیفی فعالیتهای تجاری، توسعه کمی و کیفی قلمرو مدیریت مالی را دنبال داشته است و به تبع آن مدیریت مالی را پیچیده تر نموده است.

تداوم فعالیتهای بنگاه اقتصادی تا میزان زیادی به مدیریت منابع کوتاه مدت آن بستگی دارد، زیرا فعالیتهای عملیاتی در یک دوره عادی که معمولاً سالانه است به شناخت سرمایه در گردش و مدیریت مطلوب آن مربوط می شود بطوریکه از این طریق، نتایج مورد انتظار تحقق یابد و امکان تداوم فعالیت در بلند مدت فراهم شود.

مقدمه



نگهداری سطح مطلوب وجه نقد برای پرداخت بدهی های سررسید شده، و استفاده از فرصت های ناگهانی مناسب جهت سرمایه گذاری که نشانه ای از انعطاف پذیری واحد تجاری می باشد و دسترسی به مواد اولیه برای تولید به طوریکه شرکت بتواند به موقع جوابگوی تقاضای مشتریان باشد دال بر اهمیت سرمایه در گردش می باشد.

هر گونه تصمیمی که در این بخش توسط مدیران اتخاذ می شود اثرات شدیدی بر روی بازدهی عملیاتی واحد تجاری می گذارد که باعث تغییر ارزش شرکت و نهایتاً ثروت سهامداران خواهد شد.

مدیریت سرمایه در گردش



* مدیریت سرمایه در گردش عبارت است از :

تعیین حجم و ترکیب منابع و مصارف سرمایه در گردش ، به نحوی که ثروت سهامداران افزایش یابد.

در این بخش از داده ها و محتویات ترازنامه ، صورت حساب سود و زیان و نسبتهای مالی استفاده می کنیم تا سیاستهای کنونی شرکت ها را در مورد سرمایه در گردش ، نشان دهیم . همچنین با به دست آوردن میزان افزایش فروش ، روند تغییراتی را که در ترکیب و ساختار سرمایه و دارائیهای شرکت رخ می دهد را نشان می دهیم .

تعریف سرمایه در گردش



- آن مقدار دارایی جاری که از محل منابع مالی بلند مدت تامین شده باشد را سرمایه در گردش می نامند. سرمایه در گردش ناخالص به صورت کل دارایی های جاری و سرمایه در گردش خالص به صورت مازاد دارایی جاری بر بدهی جاری تعریف می شود. میزان سرمایه در گردش شاخصی است برای تشخیص درجه نقدینگی و عدم اعسار یک شرکت، به ویژه اگر در مقایسه با دیگر شاخص ها و نسبت های مالی به کار گرفته شود.
- سرمایه در گردش حاشیه ایمنی اعتبار دهندگان است، در شرکت هایی که در کوتاه مدت با مشکل، استقراض مواجه هستند می بایست سرمایه در گردش بالایی داشته باشند. سرمایه در گردش از رابطه زیر به دست می آید :

سرمایه در گردش = بدهیهای جاری - داراییهای جاری

اهمیت مدیریت سرمایه در گردش



- اهمیت روزافزون مدیریت سرمایه در گردش باعث شده است که این موضوع به صورت یک رشته تخصصی مدیریت مالی درآید. در شرکت‌های بسیار بزرگ، تعدادی مدیر اجرایی متخصص حضور دارند که تمام‌وقت و انرژی خود را منحصرأ صرف اداره سرمایه در گردش شرکت می‌کنند. دلایل اهمیت این موضوع به شرح زیر است:

۱- سطوح واقعی و مطلوب دارائی‌های جاری (با توجه به تغییراتی که در فروش واقعی و پیش‌بینی شده رخ می‌دهد) دستخوش تغییرات دائمی است. این وضع باعث می‌شود که درباره سطح مطلوب یا موردنظر از دارائی‌های جاری، به صورت مستمر (روزانه) تصمیماتی گرفته شود.

اهمیت مدیریت سرمایه در گردش



۲- شاید با توجه به تغییراتی که در میزان دارائی‌های جاری رخ داده است، مدیران مجبور شوند در تصمیماتی که قبلاً برای تأمین مالی گرفته‌اند تجدیدنظر کنند؛ مثلاً اگر برای تأمین مالی دارائی‌های جاری از مبالغ سنگینی وام کوتاه‌مدت استفاده شده است، گرفتن وام‌های اضافی و تمدید وام‌هایی که به سررسید می‌رسند مستلزم صرف وقت و انرژی بیشتر مدیریت شرکت خواهد بود.

۳- میزان منابع و مصارف وجوهی که به سرمایه در گردش تخصیص داده می‌شود باید مشخص شود. دارائی‌های جاری حدود ۷۵ درصد کل دارائی‌های شرکت و بدهی‌های جاری حدود ۶۰ درصد ساختار سرمایه هستند. این بدان معنا است که به‌عنوان مثال اگر کل دارائی‌های یک شرکت ۵۰۰ میلیارد ریال باشد، مبلغ ۳۷۵ میلیارد ریال آن ممکن است به‌صورت دارائی‌های جاری باشد و بدهی‌های جاری هم حدود ۳۰۰ میلیارد ریال خواهد شد.

۴- اگر مدیریت سرمایه در گردش صحیح نباشند، احتمال دارد فروش و سود شرکت کاهش یابد و چه‌بسا شرکت در پرداخت به موقع دیون و تعهدات خود ناتوان بماند.

مدیریت نقدینگی



- «مدیریت نقدینگی»، معیار مهمی در تعیین «سیاستهای سرمایه در گردش» است و توانایی شرکت در ایجاد وجه نقد مورد نیاز را بیان می‌کند. نسبتهای جاری و آنی و نسبتهای نقدینگی، شاخصهای مفید و سنتی نقدینگی هستند؛ اما ناکافی و تنها مبتنی بر ارقام ترازنامه‌اند و نمی‌توانند جزئیات را به خوبی فراهم کنند و اطلاعات صحیحی درباره کارایی مدیریت سرمایه در گردش بدهند. روابط ریاضی مورد استفاده برای محاسبه این شاخصها، وجه نقد و داراییهای عملیاتی را در بر می‌گیرند؛ اما در نظر گرفتن داراییهای عملیاتی نظیر حسابهای دریافتنی و موجودی مواد و کالا با وجه نقد و شبه نقد از نظر مبانی اساسی مدیریت وجه نقد، غیرمنطقی است.

مدیریت نقدینگی



- با توجه به محدودیتهای نسبتهای سنتی نقدینگی، در تحقیقات به عمل آمده پیشنهاد شده است که از **مقیاس نقدینگی مستمر** برای مدیریت سرمایه در گردش استفاده شود. **مقیاس نقدینگی مستمر** به جریانهای نقدی ورودی و خروجی ایجادشده در شرکت اشاره دارد که ناشی از تحصیل مواد خام، تولید، فروش، پرداختها و فرایند گردآوری مطالبات است. همانگونه که مقیاس نقدینگی مستمر تابعی از چرخه تبدیل وجه نقد می باشد، صحیح تر است که به جای نسبتهای سنتی، از مقیاس چرخه تبدیل وجه نقد برای ارزیابی اثربخشی مدیریت سرمایه در گردش استفاده شود.

عوامل موثر بر نیاز سرمایه در گردش



- حجم فروش .
- عوامل فصلی و دوره ای .
- تغییرات در تکنولوژی .
- خط و مشی شرکت .

عوامل تعیین کننده مقدار سرمایه در گردش



- وسعت موسسه یا شرکت .
- فعالیتهای موسسه یا شرکت .
- دسترسی به اعتبار .
- گرایش به سود .
- گرایش به ریسک .

ماهیت سرمایه در گردش



* سرمایه در گردش : مجموعه منابعی است که در دارایی های جاری سرمایه گذاری می شود.

اگر بدهی های جاری از داراییهای جاری یک شرکت کسر گردد سرمایه در گردش خالص بدست می آید .

منابع و مصارف سرمایه در گردش



- دارائی‌های جاری یک شرکت از اقلام زیر تشکیل می‌گردد:
- صندوق و بانک.
- اوراق بهادار قابل فروش.
- حساب‌های دریافتی.
- موجودی کالا.
- سایر دارائی‌های جاری.

بسیاری از دارائی‌های جاری از محل بدهی‌های جاری (مثل حساب‌های پرداختی، اسناد پرداختی و وام‌های کوتاه‌مدت) تأمین مالی می‌شوند. در عین حال، برخی از شرکت‌ها بخشی از دارائی‌های جاری خود را از محل وام‌های بلندمدت یا از محل حقوق صاحبان سهام تأمین می‌کنند.

مدیریت سرمایه در گردش در مرحله عمل



- در این بخش، از داده‌ها و محتویات ترازنامه‌ها، صورتحساب سود و زیان و نسبت‌های مالی استفاده می‌کنیم تا سیاست‌های کنونی شرکت‌ها را در مورد سرمایه در گردش، نشان دهیم. همچنین با به‌دست آوردن میزان افزایش فروش، روند تغییراتی را که در ترکیب و ساختار سرمایه و دارائی‌های شرکت رخ می‌دهد را نشان می‌دهیم. با استفاده از نسبت‌های مالی چندین شرکت از ویژگی‌های ریسک و بازده سیاست‌هایی که شرکت‌ها در مرحله عمل در خصوص سرمایه در گردش اجراء می‌کنند، آگاه می‌شویم.

فروش و سرمایه در گردش



- فروش واقعی و پیش‌بینی‌شده شرکت بر مقدار سرمایه در گردش که شرکت به مصرف می‌رساند (و مجبور است آن را تأمین کند) اثر بسیار شدیدی دارد.
- فروش شرکت بر حجم دارائی‌های جاری و بدهی‌های جاری اثر مستقیم دارد و باعث می‌شود که این اقلام خودبه‌خود افزایش یابند؛
- برای مثال، خریده‌ها به‌صورت موجودی کالا و حساب‌های پرداختی درمی‌آیند، فروش باعث ایجاد وجه نقد و حساب‌های دریافتی می‌گردد و تقاضای فصلی یا غیرمنتظره، گهگاه باعث می‌شوند که شرکت از وام‌های کوتاه‌مدت استفاده کند.

مدیریت سرمایه در گردش و سودآوری شرکت



- ارتباط سنتی بین چرخه تبدیل وجه نقد و سودآوری شرکت بدین ترتیب است که کاهش چرخه تبدیل وجه نقد باعث افزایش سودآوری شرکت می شود.
- از سوی دیگر کاهش چرخه تبدیل وجه نقد می تواند به عملیات شرکت آسیب برساند و سودآوری را کاهش دهد.

اهداف سه گانه برای حداکثر رساندن ارزش سهام شرکت



- برای حداکثر رساندن ارزش سهام شرکت مدیران مالی باید اهداف سه گانه زیر را در نظر بگیرند:

- ۱- تعیین اندازه شرکت و نرخ رشد آتی آن.
 - ۲- تعیین بهترین ترکیب دارائی های شرکت (مصارف وجوه).
 - ۳- تعیین بهترین ترکیب منابع شرکت (ساختار اولیه).
- تعیین میزان سرمایه در گردش مناسب به نوعی با هر سه هدف فوق در کنش و واکنش متقابل است.

اهداف سه گانه برای حداکثر رساندن ارزش سهام شرکت



یک مدیر مالی و سایر مدیران که در اتخاذ تصمیمات مالی سهام هستند، می توانند با رهبردهایی گوناگون یک موسسه را با موفقیت یا شکست قرین کنند.

در واقع هر چه این عدد افزایش یابد توانائی شرکت در باز پرداخت دیون نیز افزایش می یابد .

از سوی دیگر فزونی سرمایه در گردش برای مدیریت سازمان از این نظر که از منابع برون سازمانی استفاده نکرده است و دارایی جاری بیش از حد نگهداری کرده میتواند یک سوء مدیریت را نشان دهد.

سرمایه در گردش در خصوص فرض تداوم فعالیت مطرح است و یکی از نسبت های مورد توجه اعتبار دهندگان و استفاده کنندگان از صورتهای مالی می باشد.

تجزیه و تحلیل نسبت‌های سرمایه در گردش



- برخی از ابزار و روش‌ها در تجزیه و تحلیل سرمایه در گردش، عبارت‌اند از ؛
- نسبت جاری.
- نسبت دارائی‌های جاری به کل دارائی‌ها .
- نسبت بدهی‌های جاری به کل دارائی‌ها.
- نسبت سرمایه در گردش خالص.
- نسبت دارائی‌های جاری به کل دارائی‌ها.
- نسبت بدهی‌های جاری به کل دارائی‌ها.
- نسبت‌های مالی و استراتژی‌های سرمایه در گردش.

نسبت سرمایه در گردش خالص



به عنوان دارایی های جاری منهای بدهیهای جاری تعریف می شود.
بدهیهای جاری - داراییهای جاری = سرمایه در گردش خالص

* سرمایه در گردش عملیاتی خالص: (NOWC)

به عنوان دارایی های جاری منهای بدهی های جاری عملیاتی تعریف می شود.
معمولا NOWC مساوی است با :

وجوه نقد + حسابهای دریافتنی + موجودی - حسابهای پرداختنی - حسابهای معوق = سرمایه در گردش عملیاتی خالص

نسبت‌های نقدینگی



- برای تجزیه و تحلیل سیاست‌هایی که در مورد مدیریت سرمایه در گردش اتخاذ شده، می‌توان از دو نسبت دیگر که آنها را “نسبت نقدینگی” (LR) می‌نامند استفاده کرد. مقدار این نسبت‌ها به طریق زیر محاسبه می‌شود:

وجوه نقد + اوراق بهادار قابل فروش

$$LR\ 1 = \frac{\text{وجوه نقد + اوراق بهادار قابل فروش}}{\text{دارایی جاری}}$$

دارایی جاری

وجوه نقد + اوراق بهادار قابل فروش

$$LR\ 2 = \frac{\text{وجوه نقد + اوراق بهادار قابل فروش}}{\text{بدهی جاری}}$$

بدهی جاری

نسبت‌های نقدینگی



LR 1 معیاری است برای محاسبه قدرت نقدینگی دارائی های جاری، مقدار این نسبت هر قدر بیشتر باشد ، موید این است که وجوه نقد و اوراق بهادار قابل فروش ، منابع اصلی وجوه هستند

LR 2 توانایی شرکت را در بازپرداخت بدهی های جاری اندازه گیری می کند. مقدار این نسبت هر قدر بزرگتر باشد به این معنی است که می توان برای بازپرداخت بدهی های جاری از وجوه نقد یا اوراق بهادار قابل فروش استفاده کرد.

سیاست های سرمایه در گردش



* سیاست های سرمایه در گردش شامل برخی اصول و برنامه هایی است که شامل اقداماتی درخصوص دارایی ها و بدهی های جاری می شود. بسیاری از نویسندگان و محققین به سه نوع سیاست سرمایه در گردش اشاره کرده اند:

جسورانه (تهاجمی)

متعادل

محافظه کارانه

- تفاوت اساسی این سیاستها:

تفاوت اساسی این سیاستها در میزان سرمایه در گردش خالص است که برابر با تفاضل دارایی های جاری و بدهی های جاری است.

اهداف سیاستهای سرمایه در گردش



- نقدینگی کافی جهت پرداخت صورتحسابها در موعد مقرر.
- به حداقل رساندن ریسک ؛ باتوجه به اینکه حسابهای پرداختی و سایر بدهیهای کوتاه مدت هزینه پائینی در بر خواهد داشت ، شرکت بایستی اطمینان حاصل کند که این تعهدات نسبت به دارائیهای جاری فزونی پیدا نکند.
- به حداکثر رسانده ارزش شرکت ؛ موسسه یا شرکت نباید بیش از دارائیهای ثابت بلااستفاده که می تواند داشته باشد ، دارائی جاری را کد نگهداری کند.
- می تواند با سرمایه گذاری وجوه بلااستفاده و به حداقل رساندن موجودیها ، وصول سریع مطالبات و حذف تامین مالی کوتاه مدت پرهزینه و غیر ضروری ، باعث افزایش ارزش شرکت می شود.

استراتژی سرمایه در گردش و ریسک و بازده



- شرکت‌ها می‌توانند با به کارگیری استراتژی‌های گوناگون، در رابطه با مدیریت سرمایه در گردش، میزان نقدینگی شرکت را تحت‌تأثیر قرار دهند. این استراتژی‌ها را میزان ریسک و بازده آنها مشخص می‌کند. مدیران سرمایه در گردش به دو دسته تقسیم می‌شوند: محافظه‌کار و متهور (جسور). استراتژی محافظه‌کارانه در مدیریت سرمایه در گردش باعث خواهد شد که قدرت نقدینگی بیش از حد بالا برود.
- مدیر سرمایه در گردش با استراتژی جسورانه می‌کوشد تا با داشتن کمترین میزان دارائی جاری، از بدهی‌های جاری بیشترین استفاده را ببرد و شرکت را به این‌گونه اداره کند. در اجرای این استراتژی، ریسک نقدینگی بسیار بالا خواهد رفت و شرکتی که این استراتژی را به اجرا درآورد، بارها در وضعیتی قرار می‌گیرد که نمی‌تواند بدهی‌های سررسیدشده را بپردازد.

نسبت‌های مالی و استراتژی‌های سرمایه در گردش



- شرکتی که مدیریت سرمایه در گردش آن، محافظه کارانه عمل کند، موقعیت زیر را خواهد داشت:
- نسبت نقدینگی، نسبت جاری و نسبت سرمایه در گردش خالص آن بالا خواهد بود.
- مدیر مالی شرکتی که سیاستی جسورانه در پیش می‌گیرد می‌کوشد تا مقدار این نسبت‌ها را کاهش دهد و چه بسا سرمایه در گردش خالص شرکت را منفی کند.
- دو معیار مشخص‌کننده سیاست سرمایه در گردش عبارتند از:
 - ۱- تجزیه و تحلیل روند زمانی نسبت‌ها و سرمایه در گردش خالص.
 - ۲- مقایسه نسبت‌های شرکت با مقادیر متعلق به متوسط صنعت.

راهنمای مختلف سرمایه در گردش و تامین مالی



استراتژی های دارایی های جاری:

- ۱- استراتژی های محافظه کارانه
- ۲- استراتژی های جسورانه

استراتژی های بدهی های جاری:

- ۱- استراتژی محافظه کارانه
- ۲- استراتژی جسورانه

استراتژی های دارایی های جاری



۱- استراتژی های محافظه کارانه:

- * شرکت با نگهداری پول نقد و اوراق بهادار قابل فروش می کوشد نقدینگی خود را حفظ کند.
- * خطر این روش بسیار اندک است .
- * خطر از دست دادن مشتری بسیار اندک ، توان پرداخت تعهدات بالا ، خطر ورشکستگی کمتر.

استراتژی های دارایی های جاری



۲- استراتژی جسورانه

*مدیران سرمایه در گردش همواره می کوشند تا وجوه نقد و اوراق بهادار قابل فروش را به حداقل ممکن برسانند (گردش عملیاتی دارایی های جاری را افزایش دهند).

*این روش پر مخاطره است.

*خطر از دست دادن مشتری بالا، کاهش توان پرداخت تعهدات.

استراتژی های بدهی های جاری



۱- استراتژی محافظه کارانه:

* مدیریت بدهی های جاری می کوشد تا در ساختار مالی شرکت ، میزان وام های کوتاه مدت را به حداقل ممکن برساند.

- ساختار سرمایه شرکت : حسابهای پرداختی ، حقوق صاحبان سهام
- **مزایا:**

با اجرایی این روش خطر ورشکستگی (ناتوانی در بازپرداخت به موقع وام ها یا تمدید آنها) به شدت کاهش پیدا می کند

معایب:

با دریافت وام بلند مدت ، هزینه تامین مالی افزایش می یابد و نرخ بازده سهامداران کاهش خواهد یافت

استراتژی های بدهی های جاری



۲- استراتژی جسورانه:

در این رویکرد تلاش مدیریت بدهی های جاری بر آن است که سطح وام های کوتاه مدت را به حداکثر برساند و دارایی های جاری خود را از محل این وام ها تامین کند.

معایب :

افزایش خطر عدم بازپرداخت تعهدات.

استراتژی محافظه کارانه در مدیریت سرمایه در گردش



* این استراتژی باعث خواهد شد که قدرت نقدینگی بیش از حد بالا رود.

* در اجرای این سیاست سعی می شود ریسک ناشی از ناتوانی باز پرداخت بدهی های سر رسید شده به پایین ترین حد خود برسد.

* مدیر در این نوع راهبرد می کوشد تا مقدار دارایی های جاری را در سطح بالایی نگه دارد.

سرمایه در گردش با راهبرد جسورانه



* با داشتن کمترین میزان دارایی جاری از بدهی جاری می توان بیشترین استفاده را برد.

* در اجرای این راهبرد ریسک نقدینگی بسیار بالا خواهد بود.

* از سوی دیگر چون حجم دارایی های جاری به پایین ترین حد خود می رسد، نرخ بازده سرمایه گذاری بسیار بالا خواهد بود.

مدیریت سرمایه در گردش در شرکتهای ایرانی



نتایج تحقیقاتی که توسط دانشمندان بزرگی چون شاین و سونن، وانگ، دیلوف انجام پذیرفته شده حاکی از آن است که مدیریت سرمایه در گردش نقش با اهمیتی در بهبود سودآوری شرکتهای ایرانی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد. بین سودآوری شرکتهای با دوره وصول مطالبات ، دوره نگهداری موجودی کالا، رابطه منفی معنی داری مشاهده شد. با توجه به نتایج حاصل باید تاکید کرد مدیریت سرمایه در گردش برای شرکتهای اهمیت فوق العاده ای دارد، زیرا شرکتهای می توانند تا جایی که مقدور است با کاهش روزهای چرخه تبدیل به نقد، برای خود ارزش آفرینی کنند.

مدیریت سرمایه در گردش در شرکتهای ایرانی



برخلاف انتظار و مشابه با نتایج تحقیق دیلوف بین دوره پرداخت بدهی ها و سودآوری شرکت های ایرانی، رابطه معکوس و معنا داری وجود دارد. دیلوف در این زمینه اظهار می کند شرکتهایی که مشکلات مالی دارند ، تمایل دارند پرداخت بدهی خود را به تاخیر بیاندازند.

سودآوری شرکت های ایرانی با اهرم مالی (نسبت بدهی بلند مدت بر کل بدهی) رابطه منفی و معنی داری دارد . این رابطه نشان می دهد که شرکتهای ایرانی نمی توانند از وام های بلند مدت ، استفاده بهینه ای بکنند و سوآوری و بازدهی مناسبی داشته باشند. در نهایت و به صورت عجیب ، سودآوری شرکتهای ایرانی با نرخ رشد تولید ناخالص داخلی رابطه منفی و معنی داری دارد .این رابطه قابل تفسیر نیست .

کلام آخر



* دنیای اقتصادی به سرعت در حال تغییر و تحول می باشد. تغییرات سریع فن آوری همگام با افزایش رقابت جهانی مسولیت مدیران را در فعالیتهایشان سنگین تر می کند. یکی از فعالیتهای اساسی مدیریت تصمیم گیری می باشد. مسئله تصمیم گیری در تمامی زمینه های امور مالی به چشم می خورد و این قاعده از مدیریت سرمایه در گردش مستثنی نیست.

مدیریت سرمایه در گردش یعنی دارائی های جاری و بدهی های جاری به گونه ای که ثروت سهامداران را حداکثر کند.

مدیران واحدهای انتفاعی در شرایط مختلف با توجه به عوامل درونی و بیرونی واحد انتفاعی با توجه به ریسک و بازده باید استراتژی مناسبی را برای اداره و مدیریت سرمایه در گردش واحد خود انتخاب نمایند.

کلام آخر



چنانچه نوع استراتژی مدیریت دارائی های جاری و بدهی های جاری در موقعیتی معین به گونه ای مناسب انتخاب شود. امکان دستیابی به بهترین استراتژی سرمایه در گردش فراهم خواهد آمد.

بررسی، کنترل و برنامه ریزی درباره اقلام سرمایه در گردش به منظور انتخاب بهترین راهبرد در مدیریت آن بایستی منجر به افزایش بازدهی، توان نقدینگی، توان پرداخت بدهی و تداوم فعالیت واحد انتفاعی گردد.

باتشکر از توجه همه بزرگواران

